

سال دوم

جلسه ۴۲

سال تحصیلی ۹۰ - ۹۱

۲۸ / ۹ / ۹۰ دوشنبه

اقوال در بحث حروف

قول سوم

حرف و اسم
در معنا
با هم مختلف اند

قول دوم

بزرگسی نتند
حرفی نتند
هم معنا هستند

قول اول

بزرگسی نتند
حرفی نتند
دارای معنا نیستند

اقوال در بحث حروف

قول سوم

حرف و اسم

در معنا

با هم مختلف اند

نظریه اول:
نظریه مرحوم نائینی

• بررسی شد

نظریه دوم:
نظریه مرحوم اصفهانی

۱. تقریر مرحوم خوئی + مرحوم فاضل

۲. تقریر شهید صدر + آیت الله وحید

۳. تقریر مرحوم روحانی

اشکال مرحوم خوئی (۲)

یقین داریم : موضوع له حروف، «روابط خارجی» نیست!
حتی اگر : موضوع له حروف «موجود بما هو موجود» باشد

حروف : در مواردی استعمال می شوند که محال است در آن «وجود رابط» موجود باشد
و قطعاً استعمال، مجاز نیستند

۱. استعمال «لام» در «الوجود للانسان ممکن»

که می دانیم : بین وجود انسان و ماهیت انسان، وجود رابط قرار دارد

۲. استعمال لام در «الوجود لله ضروری»

که می دانیم : نسبت و وجود رابط در مورد خداوند محال است

۳. استعمال لام در «الوجود للشريك الباری محال»

که می دانیم : شریک الباری در عالم نیست تا وجود رابط داشته باشد

چراکه : مثال

نتیجه
گیری

در این موارد : «لام» وضع شده برای اینکه «مفهوم را به خصوصیتی متصف کند»
(الله، انسان و شریک الباری، مفهوم دارند و متصف به خصوصیتی می شوند)

ما می گوئیم:

گفته ایم: مراد مرحوم اصفهانی آن نیست که موضوع له حروف، «وجود رابط خارجی» باشد

اشکال در مثال «وجود الانسان ممکن»

بہتر بود: از مثال «الکتابه للانسان ممکن» بهره می گرفتند

چراکه: طبق نظر مشهور بین «کتابت» و «انسان»، وجود رابط هست بر خلاف بین «انسان و وجودش»

اگر: موضوع له حروف، «وجود رابط خارجی» است:

در قضیه کاذبه وجود رابط نیست تا حروف بر آن دلالت نکند

نقد

ایشان

این کلام کامل نیست!

چراکه: در قضیه کاذبه، متکلم مدعی وجود رابط است و در همان به کار می برد.

چراکه: متکلم به وسیله «حروف» به «وجود رابط» اشاره می کند نه اینکه ایجاد کند

حال: اگر متکلم مدعی است که وجود رابط هست، طبعاً به آن اشاره میکند

اگر

گفتیم

بررسی

نقد شهید

صدر

ما می گوئیم:

گاه جمله درباره اموری است که اصلاً در خارج نیستند: مثل «الکلی فی الذهن»
در این گونه جملات، ارتباطات تماماً در «موطن ذهن» می باشند
پس: موضوع له «فی» در این موارد وجود رابط خارجی نیستند

ان قلت

دفاع از تقریر اول از قول مرحوم اصفهانی:
مراد از «خارج» در اینجا «نفس الامر» است

لذا: با توجه به اینکه هر کلام در کدام موطن وجود دارد، «وجود رابط» آن نیز در همان
موطن است

قلت

اشکال آیت الله وحید خراسانی

موضوع له = «نسبت های جزئی» است

در این صورت : این نسبت ها با هم فرق می کنند.

لذا : قدر جامعی که بین آنها موجود باشد و بتوان با تصور آن، لفظ را برای آن جزئیات قرار داد، موجود نیست

احتمال
اول

اگر
موضوع له
حروف،
«ماهیت ناقص
نسبت» است

موضوع له = «نسبت ظرفیت» است که «کلی» است

پس : خصوصیت متعلق به «فی» نیست بلکه ناشی از طرفین نسبت است.

در این صورت : وضع در حروف «عام»، موضوع له «عام» است

در حالیکه : مرحوم اصفهانی به «وضع عام ؛ موضوع له خاص» قائل می باشند.

احتمال
دوم

ما می گوئیم :

اشکال ایشان ظاهراً وارد است
و این با آنچه ما سابقاً گفتیم که «وضع عام ؛ موضوع له خاص» غیر ممکن است، سازگار است

جمع بندی کلام محقق اصفهانی

کلام مرحوم اصفهانی بنابر برداشت شهید صدر و آیت الله وحید = ثبوتاً قابل دفاع است

خلاصه نظریه :

موضوع له حروف : مفهوم غیر مستقلى است که از وجود رابط، انتزاع شوند
لذا : وضع باید به نحو «وضع عام ؛ موضوع له عام» باشد